

باختر امروز

مؤسس: دکتر سید حسین طباطبائی
 نشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 ۹ بهمن خاورمیانه

سوج

جو بیبار خرد و باریکی بودم
 در جنگلها و کوهها
 و دره ها جاری بودم
 * * *

میدانستم آبهای ایستاده
 در درون خود میپزند
 میدانستم در آغوش امواج
 دریاها
 برای جو بیباران کوچک

هستی تازه ای میزاید
 * * *
 نه درازی راه
 نه کودالهای تاریک
 و نه هوس باز ماندن از جریان
 مرا از راه باز نداشت
 * * *

اینک پیوسته ام
 با امواج بی پایان
 هستی مان تلاش
 و نیستی مان آسودن است!
 فدائی شهید رفیق مرضیه اسکوتی

شماره ۵۶ - سال چهارم

دوره چهارم

نیمه اول مرداد ۱۳۵۳

« هیچ انقلاب سوسیالیستی بدون شرکت اساسی گروه‌های کثیر زنان زحمتکش امکان پذیر نیست »
 لنین

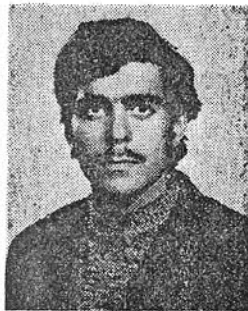
شهادتی دیگر - حماسه ای دیگر

تاریخ همواره شاهد حماسه‌هایی است که خلقهای در بند جهان برای آزادی بشریت و ساختن انسان نو و هنگام نبردهای نابرابر آفریده‌اند. هستند گروهها و افرادی که با اعتقاد کامل باینکه فرد باید در راه بدست آوردن حقوق عادلانه زحمتکشان گمنام ببرد بیاخته‌اند؛ نبردی را آغاز کرده‌اند و بدون هیچگونه نشانی ناپود شده‌اند و این ناپودشدگان بی نام کم نبوده‌اند و تا زمانی که امکانات مبارزین آنقدر وسیع نشده باشد که بتوانند صدای این درگیرهای پرشکوه را بگوش جهانیان برسانند گمنامی‌ها ادامه خواهد یافت.

لحظاتی در زندگی افراد انقلابی پیش می‌آید که نقطه شکوفائی و درخشندگی زندگی آنان و تبلور شکوه مبارزه خلقهاست. این شکوه‌ها و شکوفائیها اعتقادی و راسخ بانچه که فرد معتقد است را طلب میکند. دقیقاً بکار گرفتن تمامی اعتقاد و عزم انسان و در این لحظات است که حماسه‌ها خلق میگردند و انسان نو تجلی می‌آید.

دوران ما - عصر استفاده از چنین لحظاتی و آفرینش حماسه هاست. مین ما ظرف سه سال و اندی که از مبارزه مسلحانه پیشگامان خلق میکند، شاهد نبردهائی بوده که هر کدام درسی برای نسلهای بعد و ورق زردینی بر تاریخ مبارزات خلقهای در بند میباشد. درگیری دو رفیق از سازمان چریکهای فدائی خلق که در ششم اردیبهشت صورت گرفت، صحنه‌ای دیگر از نبرد ارتش رنجبران جهان را در یکی از میدانهای آن متجسم کرد.

قریب یکسال بود که انقلابیون ایران با استفاده از وسائل الکترونیک و منجمله ضبط امواج فرستنده‌های دشمن توانسته بودند از وارد آمدن بسیاری از ضربات بخود و به سایر گروههای انقلابی جلوگیری کنند. ولی دشمن بالاخره توانست از این موضوع مطلع شده و با بکار بستن حیل‌هایی درگیری ۶ اردیبهشت را بوجود آورد. در این درگیری رفیق شیرین معاضد از مسئولین نشریات سازمان چریکهای فدائی خلق دستگیر شده و رفیق مرضیه احمدی اسکوتی شهادت رسید. دشمن برای این درگیری دهها تیم را بسیج کرده بود و به تمام نیروهای خود در نقاط مختلف پایتخت هشدار داده بود. شرح دقیقتر جریان درگیری که بزودی منتشر خواهد شد وحشت فوق‌العاده رژیم سرسپرده و پوشالی را از انقلابیون بخوبی نشان میدهد. ترس و آنهم ترس مرگ آور بر اندام یکایک مأمورین بزدل رژیم، چنانسان سایه افکنده بود که برای دستگیری دو دختر مبارز حاضر نبودند به سهولت به پیش روند. فقط تهدیدها و تطمیعهای سردسته جانی آنان «دکتر جوان» قادر بود آنها را ترسان و لرزان در حالیکه مسلسل‌های اسرائیلی را در دست میفشردند بطرف درگیری بکشاند. مأمورین جنونی که ترس و عقب ماندگی خود را از سر کرده قصابباشان، آریامهر به امانت گرفته اند باور نمیکردند که زن، قادر به مقابله با آنها باشد و وقتی چشمهای از حدقه درآمده‌شان جثه خود این دلوران را میدید فریاد بر



می‌آوردند که « اینها مرد هستند که لباس زنانه پوشیده‌اند، مگر نبود همین سردسته آنان، آریامهر بی‌شعور که در مصاحبه با اوریانا فالاچی میگفت که « زنهای لایق هیچ چیز نیستند؛ لیاقت ندارند و هیچ کاری از آنان ساخته نیست ». برای مأمورین رژیم البته تصور اینکه زنانی با صغیر گلوله دل پر نفرت آنان را فرق در ترس و ماتم کنند ممکن نبود. زنانی که با صدها جانی تعلیم دیده و مسلح در پیفتند و قدرت انسان آزاد شده را حماسه وار بثبوت برسانند. مرضیه در این درگیری به افتخار شهادت یعنی « ذره‌ای بودن از خاکستری برای پر کردن دره میسان کاپیتالیسم و سوسیالیسم » نائل آمد و شیرین اکتون در سیامجاهای زندان شاه حماسه « اشرف » دیگری را می‌آفریند. مرضیه در راه مهرنوش ابراهیمی‌ها، بوران یداللهی‌ها و « رفیق مادر » شایگانها جان سپرد و شیرین در کنار ناهید جلالزاده‌ها، شهین توکل‌ها و رقیبه دانشگرها و هزاران دلوار اسیر دیگر برچم سرخ مقاومت و مبارزه علیه رژیم جنایتگر شاه را همه جا و حتی در زندانهای او بدوش میکشد. برچم پرافتخاری که

بقیه در صفحه ۲



اعلامیه سیاسی - نظامی شماره ۱۹ بمناسبت سالروز شهادت پیچ

نفر از برادران مجاهد

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

در شب چهارم خرداد و مصادف با سالروز تیر باران پنج تن از گرامیترین فرزندان رزمنده خلق محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع‌زادگان، محمد مسگری‌زاده و رسول مشکین فام، سه واحد چریکی از مجاهدین در سه عمل بمب‌گذاری هماهنگ علیه سه مؤسسه امپریالیستی - صهیونیستی بار دیگر ادامه و گسترش راه مبارزه مسلحانه و ازادخلل ناپذیر پیشگامان مسلح خلق را بادامه این راه آشکارا اعلام نمودند. هدفهای مورد حمله عبارت بودند از:

۱ - ساختمان شرکت آمریکائی - اسرائیلی جنسرال با انفجار دو بمب، یکی در ساعت هشت و پانزده دقیقه بعد از ظهر و بعنوان هشدار بمردم و جلوگیری از وارد آمدن هرگونه تلفات با آنها و دیگری که بسپار نیرومند بود پنج دقیقه پس از آن خسارات فراوان دید.

بقیه صفحه ۳

در عمل است که انسان سرد و گرم چشیده و زیرک بار می‌آید عمل کردن است که بانسان میفهماند برای بدست آوردن باید تلاش کرد و زحمت کشید، سهیل و ساده و خوش‌باور نبود به دلخوشی‌های آسان بدست آمده و زودگذر دل نبسته و فریب ظاهر سازی و سهر هم بافی‌ها را نخورد. واقعا که کار عجب معجزونی است. یک فرد اهل عمل هرگز با شکست‌های کوچک و بزرگ خود را نمی‌بازد و امیدش را از دست نمیدهد.

« رفیق یوسف زرکار »
 « خاطرات یک چریک در زندان »

در تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۲ یکی دیگر از رزمندگان فدائی خلق، رفیق کارگر یوسف زرکار در یک درگیری مسلحانه در خیابان محمد رضا شاه اصفهان پس از کشتن و زخمی کردن چند مزدور بدست مأموران سازمان امنیت و شهربانی با گلوله، مسلسل‌های اسرائیلی شهادت رسید.

در روز حادثه ساعت ۱۰/۵ صبح رفیق زرکار در خیابان چهار باغ مورد شک عناصر مزدور دشمن قرار میگردد. آنها از او کارت شناسائی طلب میکنند و از آنجا که کارت شناسائی هر چریک فدائی خلق در برابر دشمن اسلحه اوست، رفیق سلاحش را بیرون می‌کشد و بطرف مأموران شلیک میکند. سپس بوسیله یک تاکسی اقدام بخارج شدن از منطقه مینماید، دشمن با ماشین تاکسی را تعقیب کرده و در خیابان محمد رضا شاه جلوی آن می‌پیچد، رفیق از تاکسی پیاده شده و

بقیه در صفحه ۲

امروز چهارم خرداد است. روز شهادت پیچ و روز شهادت رفیق یوسف زرکار.

شهادت رفیق زرکار

در يك لحظه بطرف ماشين مأموران رفته درب عقب آنرا باز ميکند و با شليک گلوله يکی از آنها را کشته و چند نفر را بشدت زخمی ميکند . در اين حال مأموران وحشت زده سازمان امنيت که از مقابله با اين چريک بي باک عاجز مانده بودند از ساير نیروهای مزدور کمک ميگيرند و رفیق آنکه که متوجه ميشود که ملا در محاصره است سنگر گرفته و تا آخرين گلوله خود ميچکند و در اين درگيري نابرابر از شليک گلوله های دشمن شهادت ميرسد . مزدوران جنايتکار دشمن حتی از نزديک شدن بجسد رفیق نيز وحشت داشتند ، بعد از شليک چند گلوله بجسد او و اطمینان يافتن از کشته شدنش با لگد اقدام بخارج کردن سلاح از دستش ميکنند ولی او آنچنان اسلحه اش را محکم در دست فشرده بود که پس از مرگش اسلحه در دستش قفل شده بود و با لگدهای وحشيانه مأموران نيز خارج نميشد .

رفیق زرکار با اين تهاجم خود بدشمن که در مقابل خلق اصفهان صورت گرفت بار ديگر خلق را از وجود جوانان مبارزی که اسلحه در دست عليه حکومت ضد خلقی شاه ميچکند آگاه کرد . اين درگيري در اصفهان انعکاس زيادی داشت ، در همه جا صحبت از شجاعت و دلوروی جوانی بود که در راه آرمانش مقاومت ميکند و از ريختن خون خود نيز دریغ ندارد . در اين ميان وحشيمگري مزدوران منفور سازمان امنيت مردمی را که شاهد درگيري بودند سخت خشمگين ساخته بود و اين خشم آنها در صحبتهايی که در گوشه و کنار شنیده ميشد جلوه گر بود .

انعکاس اين درگيري در ميان مردم از موارد کوچکی است که نشان میدهد که تنها با عملیاتی که با برنامه ریزی و انتخاب هدف از جانب رزمندگان پيش آهنگ صورت ميگيرد بلکه با درگيري هائی که دشمن بر ما تحميل ميکند نيز شکست پذیری قدرت رژیم نمایان ميشود .

شهادت رفیق زرکار همچون زندگی انقلابيش در خدمت رهائی خلقها قرار گرفت ، يوسف در سال ۱۳۳۱ در يك خانواده کارگری بدنيا آمد ، ۹ ساله بود که پدرش درگذشت و او مجبور شد برای تأمين مخسارج خانواده بکارگري بپردازد . زندگی سخت و کار طاقت فرسای کارخانه و بهره کشی شديدی که در آنجا وجود داشت از يك طرف به رفیق چگونگی زندگی مشقت بار طبقه کارگر را نشان ميداد و از طرفی ديگر او صاحبان کارخانه و اربابان ثروتمند ديگر را میديد که بی آنکه خود کاری انجام بدهند از بهترین مزیای زندگی برخوردار دارند . اين چنين شرايطی او را واميداشت که بدنبال راهی باشد که بتواند اين بي عدالتيها پايان بدهد طبقه کارگر و همه ، خلق ايران بتوانند خود را از زیر ستم رها کنند . افکار انقلابی يوسف در ارتباط با ساير کارگران آگاه کارخانجات راه آهن که او در آنجا کار ميکرد رشد يافت و پس از آنکه اولين گلوله عليه رژيم در جنگهای سياهکل در سال ۱۳۴۹ از سلاح و چريکهای فدائی خلق ، شليک شد و تحویلی کيفی در مبارزات کشور ما بوجود آورد رفیق نيز راهش را يافت و علیرغم کسی سن از اولين کسانی بود که به صف انقلاب مسلحانه ايران پيوست .

پس از مدتی فعاليت در شهريور ماه سال ۱۳۵۰ در شرايط خفقان ايران توسط سازمان منفور امنيت دستگير شد . مزدوران جنايتکار طبق معمول رفیقي را به زیر شکنجه بردند . آنها تصور ميکردند که ميتوانند دهان اين فرزند راستين خلق را بکشاييد و اسرار خلق را از زبان او بشنوند ولی تصورشان باطل بود . رفیق با تکیه به ايمان و صداقت انقلابی خود دست به صحنه سازی در مقابل دشمن زده چنين وانمود کرد که يك عنصر ساده سياسی است و در حالیکه در تمام مدت کينه و نفرت بيحدش را بدشمن در دل خود حفظ کرده بود توانست ماهرانه دشمن را خيام کند ، بعد از یکسال از زندان آزاد شد و با پيکری و پشتکار زياد توانست دوباره با سازمان و چريکهای فدائی خلق ، ارتباط بگيرد . رفیق زرکار در ارتباط با سازمان تجارب گساله خود را در زندان در جزوای نوشت که تحت نام و خاطرات يك چريک در زندان ، منتشر شد . اين کتاب حقايق بسياری را از وضع زندان و مأموران سازمان امنيت بازگو ميکند و نشان میدهد که قدرت دشمن هرچند که در باره آن خیلی تبليغات ميکند در برابر قدرت ايمان و اراده

فرزندان خلق چگونگی نابود شدنی است . رفیق در اين کتاب چهره سازمان امنيت و شهريانی و طرز رفتار آنها را با جوانانیکه هدفشان بوجود آوردن رفاه برای همه مردم است افشا کرده و جناياتی را که در اين زندانها بوسيله مزدوران محمد رضا شاه خائن صورت ميگيرد نشان داده است . کتاب رفیق زرکار علاوه بر ايران در کشورهای خارجي نيز پخش شده است و همچنين آنرا بزبان عربي هم ترجمه کرده اند . اين کار کمک زيادی به شناساندن رژيم منفور محمد رضا شاه به مردم کشورهای ديگر ميکند .

رفیق زرکار از رفقای فعال سازمان بود . ايمان او به رهائی خلقها از زیر ستم رژيم منفور شاه و اربابان امريکائی و انگليسی اش چون کوه محکم بود . تعهد و صداقت پيش از حد رفیق همواره جلوه گاه رفقای بود که در ارتباط با او کار ميکردند . نفرتش بدشمن حتی نداشت او که خود کارگر ساده ای بود و تمام زندگی اش در فقر سپری شده بود به روشنی درد و رنج را حس ميکرد و تمام زندگی اش را در خدمت نابود کردن آنهايی که اين چنين شرايطی را بوجود آورده اند گذاشت و با مرگ خود به پيمانی که با خلقش بسته بود وفا کرد . رژيم شاه خائن حتی از انتشار خير شهادت رفیق وحشت دارد و اين بار نيز مانند همیشه خير اين درگيري را در مسکوت گذاشت . شاه خائن ميکوشد که ايران را پيش اربابان خود و جزيره ثبات و آرامش ، پشناسانه تا اين اربابان چپاولگر در ايران سرمايه گذاری نمايند و شاه خائن با خوش خدمتی به آنها بتواند هرچه بيشتر ثروتهاي خلق را بغارت ببرد . ينانبراین از کوچکترين حرکات که از جانب چريکها صورت گيرد وحشت سراپايش را ميگيرد آخر اين حرکات که در جهت آگاه کردن خلق به شرايط حاکم در ايران است نشان دهنده ريشه کن شدن رژيم شاه است . شاه خائن خود نيز بدرستی ميداند که سرانجام خلق انتقامش را از او ميگيرد .

« چريکهای فدائی خلق ، جان باختگان راه رهائی خلق زحمتکش ايران هستند و هدف گلوله هايشان سينه خائنينی است که به وحشيانه ترين شکل حق خلق ميهن ما را ميخورند .

« چريکهای فدائی خلق ، ميخواهند مردم ايران را آگاه سازند که ميتوانند حاکميت اين رژيم را از بين ببرند و يك حکومت که خود مردم در آن عهده دار امور باشند بر پا سازند . شاه خائن چريکهای را خسرانکار و از عوامل بيگانه مينماید و سعی دارد که خلق قهرمان ما را نسبت بفرزندان پيشاهنگش بدبين سازد ولی اين دست و پا زدن ها هيچ ثمری ندارد و خلق ستمکش ايران فرزندان راستين خویش را خوب ميشناسد . راهی که چريکهای فدائی خلق ، در آن مبارزه ميکنند راه آزادی رنجبران از زیر ستم سرمايه داران است و جامعه ای که برای بوجود آوردنش ميکوشند جامعه ای است که در آن آمدن اين جامعه یعنی نابودی شاه خائن و ديگر سرمايه داران و شاه از اين مساله وحشت دارد آخر اگر همه برای او و اربابان امريکائی و انگليسی اش کار نکنند چگونه ميتواند کاخهای مجلل در کشورهای خارج بسازد و از کجا خرج عشايشها و خوش گذرانيهايش را تأمين کند ؟ بهمين دليل با تمام امکاناتش در صدد نابود کردن اين جنبش بر آمده است ولی از اين غافل است که وقتی همه هدف مشترکی داشته باشند ديگر از قدرت او کاری ساخته نيست و پيروزی سر انجام از آن خلق قهرمان ايران است .

« گسترده باد مبارزات مسلحانه خلق تحت رهبری طبقه کارگر ، نابود باد حکومت ضد خلقی شاه خائن ، نوکر سر سپرده امريکا ، مستحکم باد همبستگی تمام نیروهای انقلابی ايران ، جاودانه باد خاطره رزمنده فدائی رفیق يوسف زرکار و همه شهدای راه رهائی خلق ، با ايمان به پيروزی راهمان ، چريکهای فدائی خلق ،

بقیه از فتوای تاريخی

مبارزات ضد استعماری ملت مسلمان ايران در آورده و آتش انقلاب را از آن فروزان فروز زانتر ساخته است و روحانيون وارسته ، گويندگان اسلامی و پويش - گان راه آل محمد را بر آن دانشسته است که بر زیر سر نيزه دژ خيمان خون آشام شاه از اظهار حقايق دم فروبنديده باشناکری ، روشنگری و انقلاب فکری سر سخنان ادامه دهند و نقشه های عوام فریبانه و توطئه های استعماری وضد ملی شاه را مرتب بر ملا سازند .

و کوتاه سخن اين فتوای تاريخی فروردین ۴۲ است که بملت مسلمان ايران رشد فکری بخشیده و بزرزندی تبه و وسياه آنبان فروغ افکنده ، موج ما آفريده ، توده ها را بيدار و آگاه نموده و بوجه انقلاب بسپح ساخته است و اکنون چنانکه بروشنی می بينيم نهضت مقدس امام خمینی بطور روز افزونی اوج ميگيرد و باکامهای مؤثرتر ، حادث ، تندتر و شگفتانگه تری در راه پيشبرد آرمانهای مقدس اسلامی ، و واژگون ساختن کاخ شاهنشاهی ، بیرون راندن امپرياليسم جهانخواه از مری و بوم ايران و ۰۰۰۰ به پيش مينازد و امکانات برای امام خمینی فراهم ميسازد که بافتوای انقلابی ۱۶ رمضان مبنی بر اینکه : « وظيفه ملت غيور ايران است که از منافع امريکا و اسرائيل در ايران جلوه گری کرده آنرا مورد هجوم قرار دهند ، هر چند بنا بودی آن بانجامد ، فصل نونی در تاريخ مبارزات ملت ايران بکشاييد و نهضت اسلامی ملت ايران را وارد مرحله حساستری نمايند :

اگر ده سال پيش وظيفه ملت مسلمان ايران طبق فتوای امام خمینی اظهار حقايق (روشنگری ، آگاهگری و افشاگری بود و با آن فتوای تاريخی پشت عوامل و ايجادی استعمار و ارتجاع بلرزه در آمد ، امروز در سايه همان فتوای تاريخی رشد ملی و سطح مبارزه بجائی ميرسد که امام خمینی بافتوای تاريخی (۱۶ رمضان) بار ديگر پشت امپرياليسم و صهيونيسم و ايدی آنانرا بنرزه درآورند و بيبازره ، اسلامی وضد استعماری ملت ايران هرچه بيشتر فروغ افکنند .

اگر تاديروز وظيفه ملت ايران مقاومت و مبارزه منفی در برابر مظالم و منافع بيگانگان و استعمار گران بود و ملتزم بودند که از خريد و فروش کالاهاى اسرائيلی که با بازارهای ايران عرضه ميشود خودداری ورزند ، اکنون طبق فتوای انقلابی ۱۶ رمضان ، علاوه بر آن موظفند که کالاهاى اسرائيلی را مورد هجوم قرار داده باتش بکشند ، امروز مسلمانان غيور ايران وظيفه دارند که نکذارند جوجه ، تخم مرغ ، لبنیات ، ميوه جات ، مرکبات ديگر اجناس و اوراق اسرائيلی در بازارهای ايران بفروش برسد لازم است آنرا از بين ببرند ، عواميهای اسرائيلی را که هر روز چشيدن پرواز بين تهران - تل آویو کرده اجناس اسرائيلی را بايران وارد ميسازند ، باتش بکشند ، دفتر هواييمانی ال عال ، دفتر نمايندگی اقتصادی اسرائيل و سفارت مخفی آنرا در ايران ويران سازند ، زراعات و باغ هاى را که زیر نظر عمال اسرائيل اداره ميشود و نيز ساختمانهاى را که کارشناسان اسرائيلی در اطراف واکنفا کشور بنا ميکنند ، نابود نمايند .

امروز وظيفه مسلمانان ايران تنها اين نيست که پيستی کولا ننوشند ، از توييدات کارخانه ، ارج واز دستگاه توييزيون ثابت پاسال و ديگر مؤسسات و کار - خانجات عمال صهيونيسم در ايران استغافه نکنند بلکه موظفند در نابودی و خرابی آن بکوشند . موظفند کارخانجات و مؤسساتی را که مستقيماً زیر نظر شرکتهای امريکائی و اسرائيلی اداره ميشود و وابسته بانان است نابود سازند ، کشتی های نفت کشی را که نفت ايران را برای امپرياليسم امريکا و اسرائيل ميبرند باتش بکشند شرکتهای استعماری و غارتگری دولت امريکا را در ايران نابود کنند ، پایگاههای نظامی امريکا و اسرائيل را در ايران مورد هجوم قرار داده تا آنجا که ممکن است برای نابودی آن کوشش نمايند .

آری ملت مسلمان ايران طبق فتوای تاريخی و انقلابی ۱۶ رمضان ، امام خمینی بايد باتمام نیرو علی منافع امريکا و اسرائيل در ايران بسپح شده باوارد دست ضربه های سنگين و پيکير برآن ، راه را جهت قطع دست امپرياليسم و صهيونيسم از سرنوشت ايران ، از ثروت بيگران کشور واز سرمايه ملت هموارسازند .

ظفر مند باد جنک عادلانه خلق

شاه در سرمايه مجاهد در کار به آن اعتراف آنان در هيچکي ديگری کار م مزدور زکبار توسط هيچکي متعدد بر در در کشته باصند اجناد بستو هجو و ج نکذا قيمت برنج قيمت ريال بايد از آرد ۱۲ نصر در به دلت را توج فدا مور عر که حقا بن در جو مي و از و در در در کا کا کا بو س ش و ق با

بقیه - اخبار

پس از کشتار کارگران که توسط رژیم دهنش در کارخانه کاشی ایران که متعلق به ایلقانسان خاد صهیونیست میباشد صورت گرفت سازمان این خلق ایران اقدام به کارگزاران سه بمب قوی فائزه نمود که انفجار آنها باعث خسارتزای فراوانی شد . بلافاصله پس از این عمل انقلابی که بعنوان ... به قتل عام کارگران و در حمایت از مبارزه بحق بود ؛ افراد کمته را منطقه را محاصره میکنند ولی یونه ردبانی از مجاهدین بدست نمی آورند . بمب ... در نیروگاه برق همین کارخانه توسط مجاهدین گذاشته که آسیب فراوانی بنان وارد آمد .

در اواسط خرداد ماه در حوالی بازار اصفهان بان شاه یک موتور سوار را بی آنکه بشناسند به مسلسل می بندند . رفیقی که زخمی شده بود در ساواکیها دستگیر میشود . از سرنوشت او گونه اطلاعی در دست نیست .

در خرداد ماه در شهرستان رامهرمز شعارهای بی توسط مردم علیه دخالت نظامی ایران در عمان یوارها نوشته شده بود از جمله : چرا فرزندان ما را قتلار بکشتن میدیدید ، سر بازار ما نایاب در ظفار ... شونده .

مدتی پیش هیاتی از اطاق اصناف تهران جهت تلاح بررسی و رسیدگی بوضع گرانی فوق العاده اس وارد شهر بروجرد شدند . مردم که از گرانی وه آمده و سخت خشکین بودند به اطاق اصناف ام برده و با کتک مفصل از این هیات پذیرائی کردند . نصاب شهردار را نیز در این برخورد بی نصیب اشند .

کمبود ما بحتاج عمومی و بالا رفتن سرسام آور نها موجب خشم مردم در سراسر کشور گردیده است . ج کیلونی ۷۰ ریال ، قیمت گوشت ۲۰۰ ریال و ت نان در تهران و اغلب شهرها کیلونی ۱۶ تا ۱۸ ن شده است و مردم برای دریافت سهمیه محدود نان به صف بايستند و کوبن بگیرند . هر روز عدهای ناوانیها تعطیل میشود . ناوانها مدعی هستند که را باید کیلونی ۱۴ ریال بخرند و بدستور شهرداری ریال بفروشند . یکی از ناوانها میگفت والله بالا رالدین هم این کار را نمیکرد . در شهر آستارا ۱۸ از ناوانان در روز جمعه که مردم برای برگراری نداد مسجد رفته بودند فرصت را مقتم شمرد و با صدای مد هسقول دعا خواندن میشوند که خدایا ، گناهان ما ببخش و ما را از این قحطی نجات بده و بان ترتیب ده مردم را بخود جلب میکنند . سازمان چریکهای ائی خلق با بخش اعلامیه بطور وسیع در میان مردم در رد این مشکلات و علل پیدایش آن توانست بخشی از بده جوئیهای رژیم و روزنامه های وابسته به دبار را سعی در توجیه وضع موجود و واژگون جلوه دادن نایق میکنند ، انشاء سازد .

اعلامیه مجاهدین

۲ - شرکت انگلیسی - درباری بیمه یوز کشایر با انفجار يك بمب نیرومند در ساعت ۸ و ۱۵ دقیقه بعد از ظهر بدست آسیب دید .

۳ - شرکت اسرائیلی تکنوایس - با انفجار دو بمب یکی در ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر بعنوان هشدار ب مردم و انفجار بمب دوم یکساعت پس از آن در حالیکه نیروهای پلیس با چشمانی از حدقه آمده و متوحش از انفجارات بی در بی بنور ساختمان حلقه زده و هیچ کدام جرئت نزدیک شدن بساختمان را نداشتند پایه های ساختمان و تمام تاسیسات مربوط بان درهم کوبیده شد .

طین انفجارهای بی در بی بسببهای دست ساز مجاهدین چه پیامی برای خلق ما بهمراه داشت ؟

۱ - بار دیگر مخالفت قهرآمیز ما با هرگونه نفوذ و حاکمیت سرمایه داری خونخوار بین المللی و وابستگان داخلی بر مقدرات ملی ما اعلام شد .

۲ - بار دیگر وابستگی و نوکر صفتی رژیم شاه خائن را بکنیف ترین منافع امپریالیستی و صهیونیستی آشکار ساخت .

۳ - همچون یادآور خون رزمندگان مجاهدی گردید که در سحرگاه چهارم خرداد ۵۱ و در آستانه سفر توطئه آمیز نیکسون جنایتکار بایران ، بدست پلیس آدمکش شاه بزمین ریخته شد . رزمندگانی که بدنبال درک وظیفه تاریخی خویش برای آزادی خلق از قید هرگونه ظلم و استعمار ، تفنگ بدست گرفتند و با شهادت انقلابیشان راه جنیش مسلحانه خلق را روشنی بیشتری بخشیدند .

براستی رژیم شاه خائن این نوکر حلقه بگوش تجاوزکاران آمریکائی و خونخواران اسرائیلی از موج کشتار و شکنجه ای که برای انداختن چه هدنی را دنبال میکند ؟

در واقع سردمداران ارتجاع حاکم بر ایران همچون کلیه نیروهای ضد تکاملی تاریخ تصور باطلی دارند . آنان گمان میکنند که میتوانند با کشتار پیاپی رزمندگان انقلابی خلق ، با افزایش موج دستگیری و شکنجه های وحشیانه مبارزین و پر کردن زندانها از توده های زحمتکش و قشرهای آگاه مردم ما و با بکار گرفتن انواع و اقسام برنامه های ضد مردمی ، حرکت حق طلبانه و رو بگسترش خلق را درهم بشکنند . این کور ذلی خصوصیت تمام مرتجعین تاریخ است . رژیم ضد مردمی بیزید نیز تصور میکرد که میتواند با آلودن دست ناپاک خویش بخون حسین (ع) و بارانش ، از حرکت تاریخ جلوگیری کند . رژیم استعماری فرانسه در کشتار يك میلیون خلق

بگردن راننده تاکسی که در این تصادف ابدت تقصیری نداشته انداخت ، راننده تاکسی در حالیکه در مقابل اینته بی عدالتی سخت بخشم آمده بود در حالیکه میدان ۲۴ متری را میدوید فریاد میزد - زنده باد کلسرخی - زنده باد چریکها . راننده فورا از طرف مأمورین دستگیر گردید .

اعتصاب رانندگان سواری بین شهری تهران در مورد افزایش نرخ بین شهری باعث اختلال در امور ترافیک تهران گردید رانندگان دسته جمعی دست از کار کشیدند و باطاق اصناف هجوم بردند و از اینکه اکنون در ایران همه چیز از سال گذشته ۲ تا ۳ برابر گران شده است خواستار بالا بردن نرخ کرایه شدند و باطاق اصناف یک هفته مهلت دادند که بخواست آنها رسیدگی کند . اعتصاب کنندگان تاکید کردند که اگر بعد از يك هفته بوضع آنها رسیدگی نشود مجددا تا حصول نتیجه دست باعتصاب خواهند زد . رژیم بخاطر جلوگیری از گسترش اعتصاب مجبور شد نرخ کرایه را ۵ ریال افزایش دهد .

در روز ۳۱ فروردین يك واحد چریکی از سازمان مجاهدین خلق ایران موفق شد که با انفجار بمب مقر گارد دانشگاه صنعتی را ویران سازد . انفجار این بمب که مصادف با تظاهرات دانشجویان و سالگرد شهادت مجاهدین ارژنده علی باگری - ناصر صادق - علی مینلوست و محمد بازرگانی و علی اصغر منتظر حقیقی صورت میگرفت آنچنان وحشتی در بین نیروهای خوانجوار گارد شهرهای که برای سرکوب تظاهرات در دانشگاه مجتمع شده بودند ایجاد کرد که هر کدام از آنها بگوشهای مریخند و « وظایف خود را فراموش کردند . بدنبال این انفجار درهای دانشگاه بسته شد و از ورود

الجزایر و امپریالیستهای آمریکائی نیز در وحشیگری های تاریخی خسویش در ویتنام چنین هدنی را جستجو میکردند .

در مبارزه ایکه اکنون در مین ما جاری است ، رژیم ضد مردمی شاه همچون پیشینیان ارتجاعی خویش عنبرغم همه تلاشهای مذبوحانه اش نتوانسته است از اوچگری و رشد جنیش انقلابی خلق ممانعت بعمل آورد . دو سال پیش زمانیکه برادران انقلابی ما پس از یکدوره اسارت و شکنجه های وحشیانه از طرف دشمن بچوبه اسددام سپرده شدند از تجربه کمتری نسبت بامروز برخوردار بودیم . در آنروزها به نیروهای ما و کلیه نیروهای مبارز ضربات سهمگینی واردشد و دشمن توانست بسیاری از همزمان ما را باسارت در آورد اما ما بخوبی میدانستیم که در راه مشقت انقلاب تجربه را با خون باید نوشت . میدانستیم برای اینکه بیاموزیم و بتوانیم برای مبارزه با رژیم منفور بهلوی این عامل خونخوار استعمار همچنان به پیش بتازیم لازم است سلاح بر کف گرفته و نهالیت خویش را فزونی بخشیم . میدانستیم که در این نبرد اول بار ما ضعیفیم و دشمن قوی ، ولی باین امر نیز ایمان داشتیم که چون هدف خویش را آزادی خلق و نابود کردن هرگونه ستم و بهره کشی قرار داده ایم ، بتدریج زحمتکشان بیاری ما برخوانند خاست و زمانیکه توده ها بمبارزه برخیزند ، هیچ نیروئی را قدرت مقاومت در مقابل آنها نیست و اکنون نیز ما پس از دو سال که از آن زمان میگذرد ، بیش از پیش نشانه های حمایت بیدار خلق را از انقلاب مسلحانه می بینیم و باتمام وجود احساس میکنیم . بقا مزدور بهلوی ، که تنها باعثار وجود عالیترین عناصر رزمندگی در درون خلقمان و حمایت بیدار قشرهای زحمتکش و آگاه آن از ما امکانپذیر بوده است ، بهترین نشانه ای است که اراده خلق نابذیر خلق ما را بادامه مبارزه تا پیروزی کامل بر دشمنان خونخوارش ، شاه و اربابان آمریکائی و اسرائیلی او ، آشکار میسازد .

جاودانه باد خاطره شهیدای رزمنده خلق شکوفان باد انقلاب مسلحانه خلق نابود باد دیکتاتوری سیاه دودمان بهلوی

بقیه - شهادتی دیگر

هرگز بر زمین نیفتاده و هرروز رفیع تر و با شکوه تر برفراز موج رشد یابنده مبارزات خلق ما باهمتراز در میآید . برچمی که بازگو کننده اراده پرتوان خلق ما و عزم تزلزل ناپذیر آنان به محو استعمار ، در هر چهره و جامه ایست و شکوه مندتر باد این پرچم ! در سال گذشته هوشیاری انقلابیون و استفاده از تجارب گذشته شان باعث جلوگیری از ورود بسیاری از ضربات شد . گر چه دشمن بیکی از شیوه های انقلابیون بی برد و توانست ضربهای وارد کند ولی ابعاد این ضربه خاص باشد و بخصوص در موارد متعدد دیگری اصولا از ورود ضربه جلوگیری شد . بدیهی است انقلابیون باز هم راهمانی برای مقابله با حیل های دشمن خواهند یافت و آسیب پذیری خود را هنوز هم کمتر خواهند کرد . در سال گذشته - همانطور که انقلابیون تاکید کرده اند - از دستگیرها و کشتارهای وسیع از میان صوف دو سازمان وسیع - چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق - خبری نبوده است . باوجود تجهیز فوق العاده نیروهای پلیسی و امنیتی و با وجود آوردن چند صد مستشار از امریکا و اسرائیل ، درگیریها پراکنده و انفرادی بوده و در مواردی هم که درگیری بوقوع پیوسته ، رژیم پس از تحمل تلفات سنگینی تنها با جسد متلاشی شده انقلابیون روبرو شده است و این امر برای شاه که دیوانوار امر به « زنده گرفتن ، چریکها میکند چنان عقده ای شده است که وی حتی در مصاحبه ای به استیصال خود - در مقابله با کسانی که ترجیح میدهند کشته شوند ولی بدست رژیم نیفتند - اعتراف کرد .

اما با تمام تلاشهای رژیم که برای نابودی پیشاهنگان جنیش خلق میکند این جنیش روز بروز گسترده تر شده واز تجارب گذشته اش میآموزد و به پیش میرود . جوشش خون چریکها ، زن و مرد ، پیر و جوان ، از تمام طقات خلق ، از تمام طبقات نشانه عزم آهنین

باختر امروز

اخبار

★ در ششم اردیبهشت ماه در جریان يك درگیری با پلیس يك نفر از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق به شهادت رسید و رفیق دیگر دستگیر گردید .

رفیق شریفین معاضد روز جمعه ششم اردیبهشت برای ملاقات يك سیمپاتیان اعزام محل قرار میشود . این قرار قبلا توسط مأمورین دشمن کشف شده بود و تمام منطقه تا چند کیلومتر در محاصره دشمن بوده است . رفیق دیگر مرضیه احمدی اسکونی که از جریان ملاقات خبر داشته از طریق ضبط امواج بی سیم مأمورین پی میبرد که قرار لو رفته و منطقه در محاصره است . رفیق مرضیه احمدی بلافاصله بعد از وقوف به چگونگی امر ، بدون اهمیت به خطری که او را تهدید میکرد ، بمنظور مطلع کردن رفیق شریفین معاضد وارد منطقه محاصره شده میشود و رفیق را پیدا کرده و او را مطلع میسازد . مأمورین پلیس که سخت منطقه را تحت کنترل داشته اند به تعقیب آنها میپردازند . رفقای چریک بچند مانور دست میزنند و با عوض کردن تاکسی قصد گریز از منطقه را میکنند . ولی مأمورین با استفاده از دستگاههای مخابراتی آنها را در میدان فوزیه پیدا کرده و غافلگیرانه به رفیق شریفین معاضد حمله میکنند و وی را دستگیر میسازند . رفیق با استفاده از قرص سیانور اقدام به خودکشی میکند ولی با رساندن فوری وی به بیمارستان از مرگش جلوگیری میشود و بعدا تحت شکنجههای غیرانسانی قرار میگردد . رفیق دیگر مرضیه احمدی با وجود انجام عملیات ضد تعقیب ، وقتی متوجه میشود که در حلقه تنگ محاصره قرار گرفته و امکان خروج از آنرا ندارد با بدست گرفتن ابتکار عمل با اسلحه کمتری خود به مزدوران رژیم حمله ور شده و پس از يك نبرد شجاعانه مورد اصابت رگبار مسلسل دشمن قرار میگردد و چون سخت مجروح میشود در آخرین دم از قرص سیانور خود نیز استفاده مینماید و بدرجه شهادت نائل میگردد . دشمن که در حین تعقیب مرتبا از پشتت بی سیم فریاد میکند که او مردی است که لباس زنانه پوشیده و بدین وسیله وحشت خود را از او اعلام میگردد ، جسد او را چندین بار به رگبار مسلسل میزنند . مأمورین بعد از اطمینان از مرگ رفیق ، آهسته آهسته در حالیکه وحشت مرگ سراپای وجود منفورشان را فرا گرفته بود باین چریک قهرمان نزدیک میشوند و جسد بی جان او را طناب بیج میکنند و با خود می برند . دشمن در مورد این درگیری که بخش بزرگی از مردم شرق تهران ناظر نبرد شجاعانه رفیق چریک بودند سکوت اختیار کرده و خبری منتشر نساخته است .

★ چندی پیش کارگران کارخانه ایرانا بمنظور اعتراض باخراج ۴ نفر از همکاران خود ، در شیفت شب کار میکردند دست باعصاب زدند و صدای اعتراض خود را بلند کردند . پلیس کارخانه را اشغال میکند و به سرکوبی تقاضا کنندگان میپردازد . زد و خورد شدیدی بین کارگران و پلیس در میگردد . پلیس اقدام به ترانندازی بروی کارگران میکند و در این جریان ۴ نفر از کارگران ضرب گلوله بقتل میرسند و عدهای نسیز زخمی و دستگیر میشوند . بقیه کارگران باعصاب خود ادامه داده و خواستار آزادی رفقای دستگیر شده خود میشوند . پلیس برای جلوگیری از گسترش اعتصاب در میان کارگران ، دستگیرشدگان را آزاد میکند و آنها بکار خود ادامه میدهند . کارخانه در محاصره پلیس قرار گرفته و اعمال کارگران شدیدتا کنترل میشود .

دانشجویان دانشکده فنی تهران بعد از وقوف بر این خبر بمنظور اعتراض به گشتار کارگران دست بتظاهرات خیابانی میزنند . روز قبل از تظاهرات اعلامیههایی به دیوارهای دانشکده میچسبانند و جریان کشته شدن ۴ نفر از کارگران را شرح میدهند . روز بعد دانشجویان ابتداء در يك گروه ۱۵۰ نفری از دانشگاه خارج میشوند و بطرف میدان ۲۴ اسفند حرکت میکنند و شعار میدهند . جمع کثیری از مردم و دانشجویان به تظاهرات می پیوندند . صف تظاهر کنندگان

رو به خیابان آینه ناور حرکت میکنند . اول خیابان اسکندری پلیس به آنها حمله ور شده و عدهای را دستگیر مینماید ، دانشکده فنی باین خاطر بسته شد .

★ چندی پیش در دانشگاه پهلوی زد و خوردی بین دانشجویان و پلیس صورت میگردد در این جریان ۱۶ نفر دستگیر شده اند .

★ زندانیان سیاسی را تحت فشار و شکنجه گذاشته اند و هر روز عدهای را به « کمیته » میبرند و برنامه کتک زدن را در باره آنها اجرا میکنند از جمله بیژن جزینی و مجاهد ابراهیم آوخ ، اکبر ایزدپناه و احمد اسماعیل زاده از سازمان آزادیبخش خلق های ایران را به کمیته برده اند ، مدت ملاقاتها را کم کرده و بین ۵ تا ۱۵ دقیقه کرده اند .

★ مادران عدهای از زندانیان سیاسی برای شکایت از وضع زندانیان به دادرسی ارتش رجوع میکنند و آنجا را شلوغ میکنند . از طرف مأمورین بآنها اخطار میشود که دیگر در دادرسی ارتش جمع نشوند و نما پنجه اعزام دارند . مادران و خواهران زندانیان شدیدا با این امر مخالفت کرده و از خطراتی که برای نمایندگان پیش خواهد آمد صحبت کرده اند . مأمورین آنها را تهدید کرده اند که اگر مجددا در دادرسی ارتش جمع شوند فرزندان زندانی آنها را به شهرستانها تبعید خواهند کرد .

★ در نیمه خردادماه ۵۲ کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز بعلت بالا رفتن سرسام آور هزینه زندگی به کمی دستمزد هایشان اعتراض کرده و خواستار افزایش آن میشوند . کارگر مبارز مجید صالح جهانی زاننده شرکت واحد اتوبوسرانی درخواست کارگران عدم کفاف دستمزدها را طی يك ساعات و نیم صحبت بطور وضوح تشریح میکند . مسئولان مزدور مخصوصا رئیس شرکت واحد (مولوی) نه تنها در خواستهای برحق کارگران را رد میکند ، بلکه با توهین و ناسزاگویی که شایسته خود و اربابانشان میباشد به تهدید کارگران میپردازد . با توافق قبیل مسئولان شرکت ، مزدوران ساواک دست بعمل شده و کارگر مبارز مجید صالح جهانی را - که بطرز تفکر واقع بینانه اش آگاه بوده و بازها او را با زداشت و شکنجه کرده بودند - دستگیر میکنند و تحت شکنجههای غیر انسانی او را بقتل میرسانند . مردم تبریز از این عمل جنایتکاران مطلع شده و تنفر و انزجار خود را از رژیم دست نشانده بصورت های مختلف و بطور وسیع ابراز میدارند . در مجلس ترحیم این کارگر مبارز ، کارگران آگاه کارخانه ماشین سازی تبریز و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و بیش از ۶۰۰ نفر از دانشجویان دانشکده تبریز و جمع کثیری از مردم شرکت مینمایند . دانشجویان در این مجلس بطور دسته جمعی به تلاوت قرآن میپردازند ؛ پلیس دخالت کرده و افسر فرمانده پلیس بداخل مسجد آمده و بدانشجویان اخطار میکند که نباید قرآن بخوانند ؛ دانشجویان باین اخطار اعتنایی نکرده و او را هو میکنند . افسر مزبور اعلام میکند که مسجد در محاصره پلیس است و از دانشجویان میخواهد که از مسجد خارج شوند . بعد از ختم مجلس کارگران کارخانه ماشین سازی و شرکت واحد باتفاق دانشجویان از مسجد خارج شده و با دادن شمار و فرستادن صلوات ؛ دسته جمعی بحرکت در میانند . پلیس که از قبل تدارک لازم را دیده بود و همه محله را اشغال کرده بود از حرکت دسته جمعی کارگران و دانشجویان منامت بعمل میآورد . زد و خورد شدیدی بین پلیس از يك طرف و کارگران و دانشجویان از طرف دیگر صورت میگردد و عده زیادی دستگیر و بازداشت میشوند .

★ در اواخر سال تحصیلی ۱۳۵۳ دوازده نفر از دبیران دبیرستانهای اهواز بعلت انگیزه های سیاسی از طرف ساواک دستگیر شده اند و از سر نوشت آنها تاکنون اطلاعی در دست نیست ؛ قابل تذکر است که اخیرا سازمان امنیت موج دستگیریها دبیران و دانش آموزان دبیرستانها را افزایش داده است . پدر یکی از دانش آموزان دستگیر شده میگفت : من وقتی برای رهائی فرزندان خود به سازمان امنیت رجوع کردم بمن گفته شد که فرزند شما دارای افکار ناب میباشد و ما در صدد ارشاد او هستیم . این شخص اضافه کرد که اکنون مدت دو ماه است که فرزندش در بازداشت ساواک است .

بقیه صفحه ۲

از فتوای تاریخی فروردین ۴۲ تا فتوای انقلابی ۱۶ رمضان ۹۳

باختر امروز سما در شماره ۴۸ باختر امروز فتوای بسیار مهم حضرت آیت الله خمینی (۱۶ رمضان ۹۳ آبان ۱۳۵۲) را درج کردیم . این فتوا اهمیت بسیار زیادی برای همه مسلمانانی دارد که آیت الله خمینی را بخاطر موقعیت ممتاز ایشان از نظر علوم اسلامی و نیز بکار همه جانبه تعالیم اسلام در شرایط امروزی ، به سر مرجعیت شیعیان جهان انتخاب کرده اند . این فتوا بزرگ توجه و وسیع عمومی قرار گرفت . بر مبنای آن گروه خرداد (۱۲ محرم) روحانیون مبارز (دوستانداران آیت الله خمینی) در روزنامه ۱۵ خرداد ارکان همین گروه ، نفس معتبری منتشر کرده است که ما از نظر اهمیت مطلب بدرج آن اقدام میکنیم . (لازم بتذکر است که ناشر دیگری هم در خارج از کشور تحت همین نام فعالیت دارند که نباید با ناشرین این نشریه اشتباه شوند) .

× × ×
آرزو که رژیم دست نشانده شاه مأموریت یافت بایستاده کردن رژیم آمریکائی باصطلاح « انقلاب سفید » وباشعارها وتبلیغات بظاهر اصلاحی وبتربیا ملت مستبدیده ایران را برای حد اقل نیم قرن دیگر اغفال وگمراه ساخته بخواب سنگینی فروردید از جنبه وحرکت رهائی بخش ضد استعماری بازدارد وایران بصورت جزیره امنی جهت غارت ، چپاول وتاخ و تاز امپریالیسم وصهیونیسم در آورد ، قانده بزرگ اسلام حضرت امام خمینی با الهام از تعالیم وفرامین نورانی قرآن کریم که دانایان امت را از سکوت قبال دروغ پردازیها وگرافه گونیها و «قول انم حکام ستمگر منع میکند ، در آن موقعیت حساس که خطر گمراهی - خواب بزودگی واقتضاد در دام جدید استعمار - ملت ما را تهدید میکرد ، باتمام تمام وامکانات بپاخاستند و همچو فروغ نقره فام صبا دامن سیاسی را شکافته ، در میان توده های سستمد و محرومی که در تاریکی ونا آگاهی نگهداشته شده بودند ، نور پاشیدند وبتفتوای تاریخی وانقلاب اثر «قیه حرام واطهار حقایق واجب ولو بلغ مابلق» که فروردین سال ۴۲ بدنبال فاجعه خونین فیضیه صا فرمودند ، مبارزه منفی شدیدی را علیه توطئه و دسیسه های پشت پرده رژیم که باسهم اصلاحات ترقی ، پیشرفت ، رفاه وآزادی وزیر سروش «انقلاب میخواست علیه ملت پیاده و اجرا گردد ، آغاز کرد این فتوای تاریخی در آن رهسه از زمان که جامعه اسلامی ایران از حقایق وبرنامه زندگس قرآن دور مانده ودر تاریکی وتاریک اندیشی بسر بی ویم آن میرفت که طبل توخالی انقلاب شاهانه از گنج ومیهوت ساخته پیش از پیش در دام استبد افکند ، نقش تعیین کننده ومهمی ایفاء نمود وخط مشی وظیفه ، دانیان امت وآگاهان ملت وافراد روز ضعی اجتماع را روشن ومشخص ساخت وپیش از این داروی مخدر استعمار (انقلاب سفید) رگ ویی انسان بستی بکشاند ، ماسک هارا پاره کرده ملت را هوش و آگاه ساخته بمقاومت ومبارزه منفی در برابر جنایت قانونشکنی ها واعمال ضد اسلامی شاه واذاشت .

و از این همین فتوای انقلاب آفرین است که در این مدت بیش از ده سالی که از تاریخ صا آن میگذرد حوزه های دینی ، مجامع روحانی وجامع اسلامی از حرکت وخروش باز نایستاده وهیچب و قدرتی نتوانسته این پرچمی را که بدست توار امام خمینی باهتر از با آمده است باین آورد و بپوش و حسیانه ومدام بمدارس ومحافل دینی ونه کت دستچمی ونه قتل عام « ۱۵ خرداد ونه بسریازی بر بزندان کشاند » ، تبعید نمودن وشکنجه دادن ونه شکنجه های غیر انسانی وتوافرسا بقتل رسانیدن اعدام وتروزر وگسترزدن دامنه اختناق ودیکتاتور وحکومت بایستی در سراسر کشور ونه ۰۰۰ هجا نتوانسته بیرون راستین راه خمینی را زیر ستارتق از اظهار حقایق باز دارد وبسکوت واتزوا وتب بکشاند .

این فتوای تاریخی است که حوزه علیه نم بصورت کانون انقلاب اسلامی ودر تسخیرنا بی

بقیه صفحه ۲

گسترده باد جنبش رزمنده کارگران اهوان